

ضرورت آگاهی از آوانویسی متفاوت اروپایی، در جهت حفظ نام‌های ایرانی در خلیج فارس: افسانه‌سرایی بوموف

دکتر محسن جعفری مذهب^۱

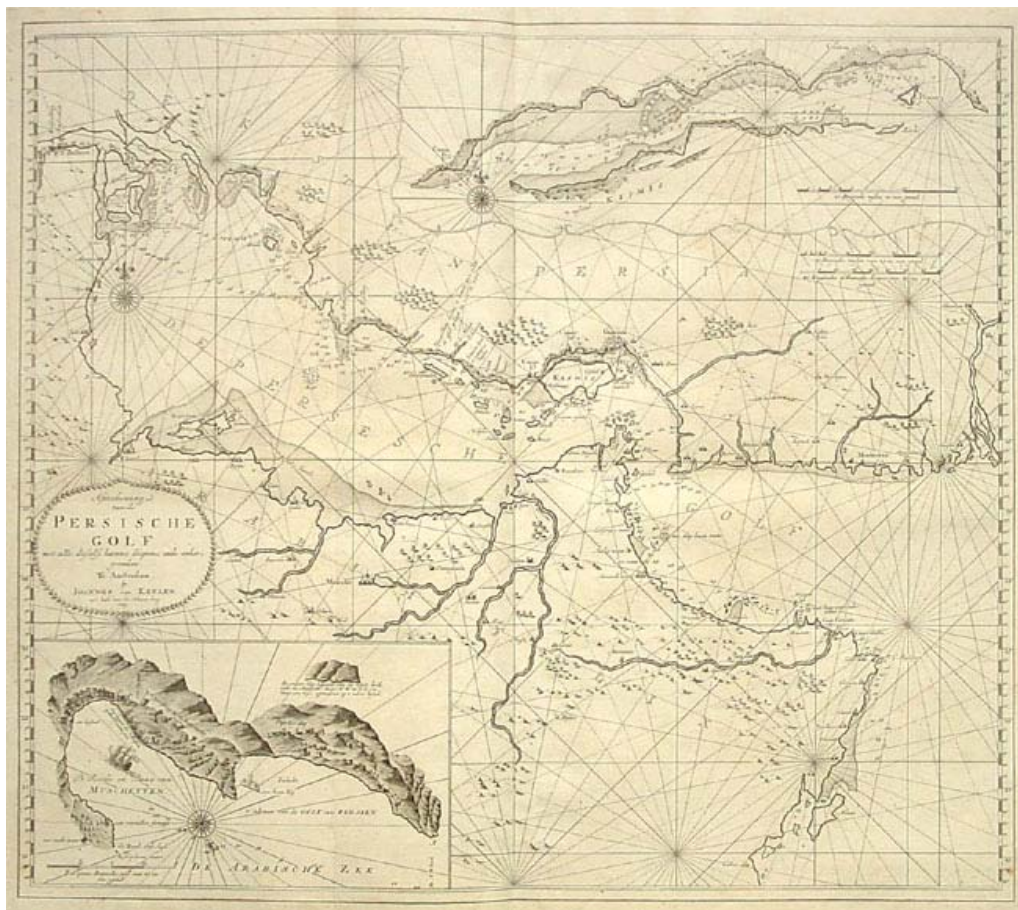
چکیده:

از مشکلات نادرست نویسی نامهای جغرافیایی، مشکلات پس از ثبت آنهاست که علاوه بر تکثیر نادرست در متون و پژوهشهای آینده، مستند قرار گرفتن برای ریشه‌یابی زبانی و اتیمولوژیک (فقه اللغوی) آن نامهاست. اگر نامی جغرافیایی، بهر دلیلی بنادرستی نقل و درک و انتقال یابد، مستمسکی برای پژوهشگران آینده است تا با ریشه‌یابی زبانی نامها، بدنبال استفاده از منابع بیرونی برای شرح و بسط آنها، و تحلیل جامعه‌شناختی، جغرافیایی، تاریخی، عقیدتی، ... آنها گردند. و چه افسانه‌هایی بظاهر علمی که در ریشه‌یابی نامهای جغرافیایی (و تاریخی) بدخوانده شده و بد نوشته شده و بدفهم شده ساخته و در نوشته‌های بظاهر علمی جایگیر شده‌اند. نوشته حاضر به افسانه‌سرایی پیرامون یکی از نامهای جغرافیایی بدخوانده شده در خلیج فارس می‌پردازد.

^۱ - دکتر در تاریخ، عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران jafarimazhab@gmail.com

از مشکلات نادرست‌نویسی نام‌های جغرافیایی، مشکلات پس از ثبت آن‌هاست که علاوه بر تکثیر نادرست در متون و پژوهش‌های آینده، مستند قرارگرفتن برای ریشه‌یابی زبانی و اتیمولوژیک (فقه اللغوی) آن نام‌هاست. اگر نامی جغرافیایی، بهر دلیلی بنادرستی نقل و درک و انتقال یابد، مستمسکی برای پژوهشگران آینده است تا با ریشه‌یابی زبانی نام‌ها، بدنبال استفاده از منابع بیرونی برای شرح و بسط آن‌ها، و تحلیل جامعه‌شناختی، جغرافیایی، تاریخی، عقیدتی، ... آن‌ها گردند. و چه افسانه‌هایی بظاهر علمی که در ریشه‌یابی نام‌های جغرافیایی (و تاریخی) بدخوانده شده و بد نوشته شده و بدفهم شده ساخته و در نوشته‌های بظاهر علمی جایگیر شده‌اند. نوشته حاضر به افسانه‌سرایی پیرامون یکی از نام‌های جغرافیایی بدخوانده شده در خلیج فارس می‌پردازد.

افسانه بوموف زمانی آغاز گشت که نقشه‌نگاری نقشه ایران را رسم کرد:



This historical map depicts the Kismis region, showing the Kismis River and surrounding islands. The map is oriented with North at the top. Key locations include Congo, Kismis, and various islands like Penlos, Lema, and Bomofa. The map is labeled with 'H' and 'E' at the bottom, indicating the direction of the river.

Bomosa

و افسانه سرایی نویسندگان ما آغاز شد:

یکی نوشت:

"در نقشه ای از خلیج فارس که در ۱۷۶۵ با حروف لاتین به چاپ رسیده نام این جزیره بوموف آمده است"^۲

دومی نوشت:

"کارستن نیبور در ۱۷۶۵ در این سفر نقشه خلیج فارس را ترسیم کرد. در این نقشه از جزیره ابوموسی با نام بوموف یاد کرده است. به نظر میرسد که در زمان بازدید نیبور از جزیره ابوموسی، نام این جزیره بوموسی بوده که بعثت اشتباه تلفظ، بوموسی را بوموف ضبط و در نقشه خود نوشته است و یا این که بمرور زمان به علت تطور، بوموسی به بو موف [تبدیل] شده باشد"^۳

و سومی نوشت:

این جزیره در اسناد تاریخی با نام بوموو BOUMOU و بوم او AOU یعنی آب (معرب آن بومف) و بوموسو و گپ سبزو نام داشته (به معنای جای سبز). در نقشه‌های قدیمی بوموف یا بوموسو ثبت شده (بوم به معنی مکان است و "سو" چند معنی دارد سو SOU مخفف سوز SOUZ نام یک نوع سبزی است و بطور کلی نیز در زبان فارسی کهن معنی سبز می‌دهد و در مجموع می‌توان آنرا به معنای سرزمین سبز نامید"^۴.
و گمان دارم اگر بخواهیم ادامه دهیم به جاهای خوبی نخواهیم رسید. و این داستانها وارد دیگر مقالات، کتابها، و حتی دانشنامه ها شد. و کی میتوان جلوی این ویروس را گرفت.

سر چشمه شاید گرفتن به بیل

چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

^۲ - محمد حسن گنجی: "ابوموسی" دائرة المعارف بزرگ اسلامی، نقل از:

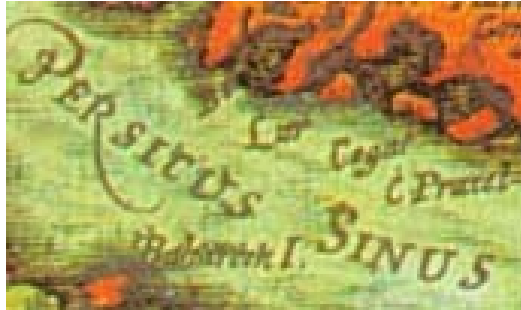
مجید بختیاری: راهنمای مفصل ایران، استان هرمزگان، تهران: ۱۳۶۹، ج ۲۲

^۳ - ایرج افشار سیستانی، جغرافیای تاریخی دریای پارس، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۶ ص ۵۵۴

^۴ - اصغر جعفری ولدانی: جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک، تهران: ۱۳۷۶

اما چگونه این افسانه ساخته شد:

بسیار ساده: تنها با یک بدخوانی یک دانشمند ساده خوان. نام خلیج فارس در متون لاتینی بصورت Persicus Sinus یا Sinus Persicus آمده و دارای ۴ حرف S است.



اما همیشه اینگونه نیست.

اروپاییان قرون وسطی حرف "س" "S" را به چند گونه می‌نویند. این تغییرات نه تنها در حروف کوچک و بزرگ چاپی، بلکه در حروف کوچک و بزرگ تحریری چاژی نیز بکار رفته است.
۱: در ابتدای کلمات و بزرگ:



۲: در وسط کلمات:



۳: پیش از S دیگر و حتی گاه در ابتدای کلمات:



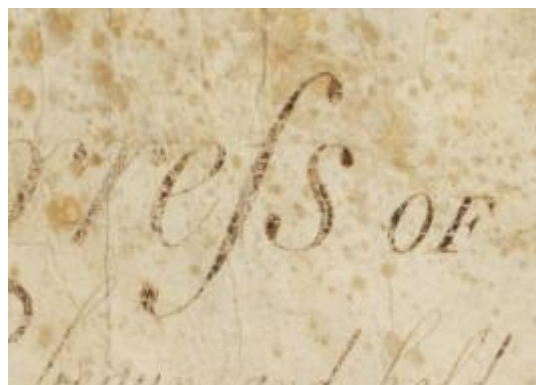
۴: پیش از حرف t چون St:



۵: در پایان کلمات:



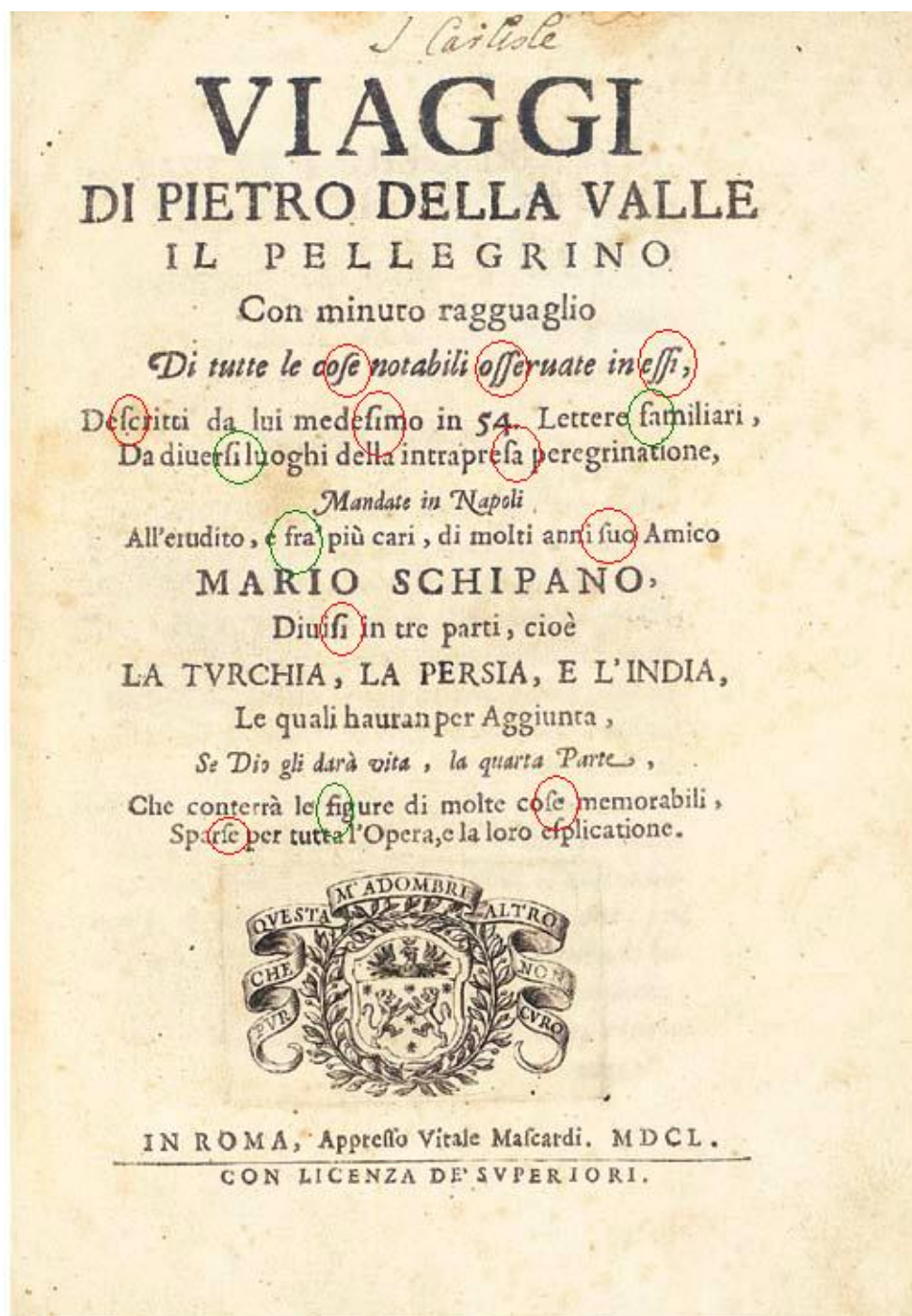
۶: حتی دو حرف س کنار هم (ss) نیز می‌توانند دوگونه نوشته شوند:



و گاه یکسان:



صفحه عنوان سفرنامه پیتر و دلاواله (منتشره در ۱۶۵۰) نمونه خوبی برای نشان دادن تفاوت قلم F و S در آوانویسی است: حرف S با دایره قرمز و حرف T با دایره سبز نمایش داده شده اند:



HONGIUS his Map of PERSIA.



p. IIII.

Of SHAUGH TAMAS the Persian troubles after his death.

SCHIACH THEMES, or *Shaugh Tamas*, succeeded, and reigned about fifty years. He lived devoutly, and yet (for their Law reconcileth both) verie voluptuously, inheriting his fathers Throne, but not his valour, and spending the greatest part of his time amongst his women. So zealous hee was of their superstition, that when *M. Ienkinson* came to his Court with the Queenes Letters, to treat with him of Traffique and Commerce for our English Merchants, before his feet touched the ground, a paire of the Sophies owne Shoes or Balmackes (such as himselfe vsed to weare, when he arose in the night to pray) were put upon his feet, lest their holy ground should be polluted with Christian steps. And being admitted into his presence, and asked of his Religion, whether he were a *Gower*, that is, an *Vnbeleuer*, or a *Muselman*, (so they call them of their owne profession) having answered, that he was a *Christian*, beleeuing Christ to be the greatest Prophet: Oh thou vnbeleuer (said hee) wee haue no need to haue friendship with the vnbeleuers, and so willed him to depart: which he did, and after him followed a man with a Baganet of Sand: sifting all the way that he had gone within the said Palace, euen from the Sophies sight vnto the Court-gate.

In his time *Solyman* (as our Turkish Relations before is shewed) much endamaged the Persians, and tooke Babylon, Tauris, and other parts of their dominions: yet did *Tamas* recouer some part thereof againe, and drave *Solyman* out of Tauris, (or *Ecbatana*, as *Minadai* interpreteth, and by a composition, caused him to raise the Fort of Chars, erected by the Turkes in his frontiers. Hee dyed the eleventh of May, 1576, leaving behind him eleven children: *Mahamet* the eldest, who had liued a while in Heri (sometime called *Aria*)

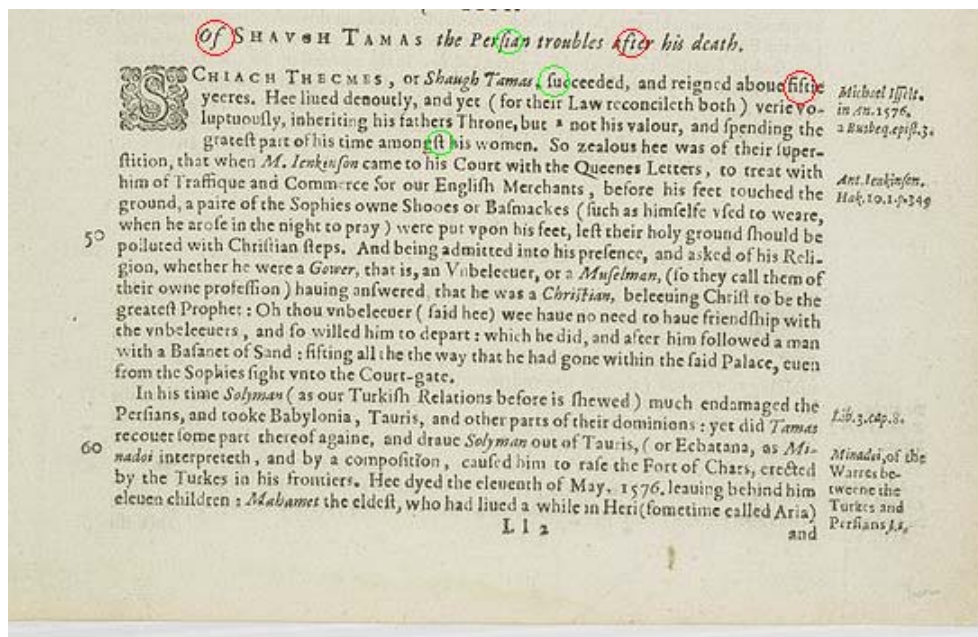
L 1 2

Michael Iffit.
in An. 1576.
a *Busbeq. epist.* 3.

Ant. Ienkinson.
Hab. 10. 1. p. 249

Lib. 3. cap. 8.

Minadai, of the
Warres be-
tweene the
Turkes and
Persians, &c.



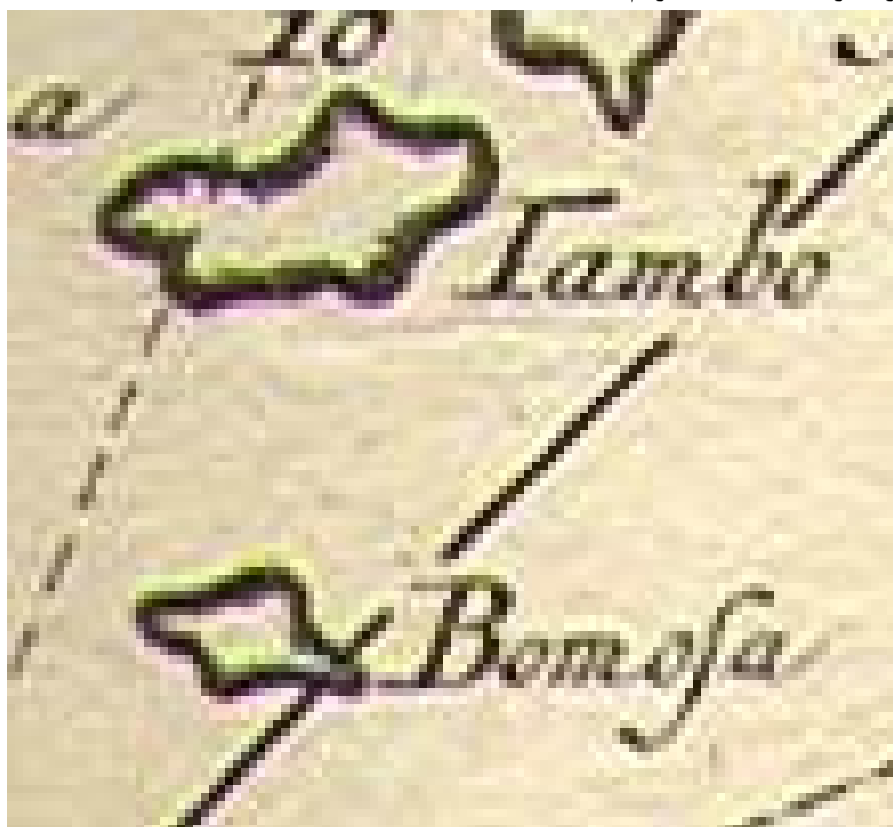
پس این تنها کارستن نیبور نبود که نام جزیره بوموسی را برسم زمانه خود نوشت. پیش از او دیگران نیز چنین کردند که باید میکردند. یان اسپید J. SPEED در ۱۶۷۶ نقشه پادشاهی ایران The Kingdom of Persia را منتشر کرد:



آوانگاری او درباره خلیج فارس و تنگه هرمز بسیار راهگشاست:



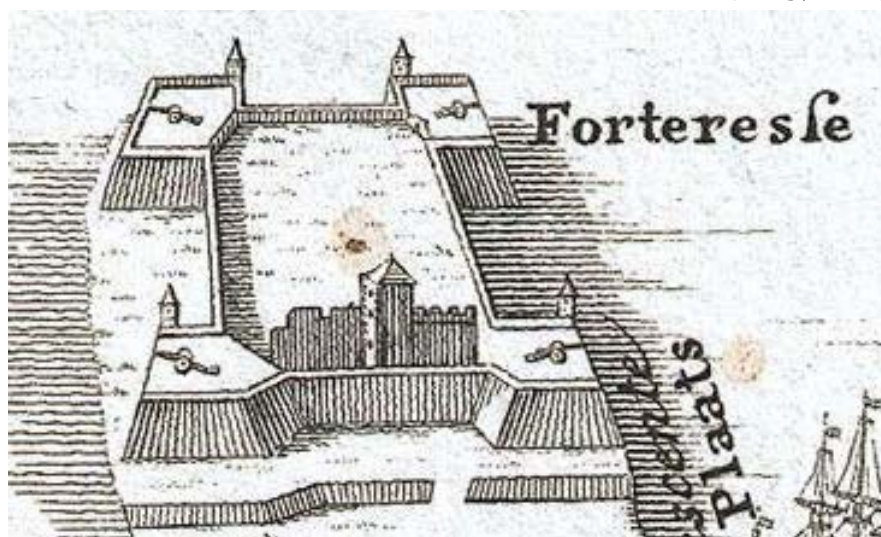
تفاوت S و F را بخوبی می‌بینیم. و این چنین یک بدخوانی به بدفهمی و بددانشی تبدیل شد. یکبار دیگر به ریشه اشتباه بنگریم:



شلی Schley در سال ۱۷۵۰ نقشه هرمز را منتشر کرد:



نام و عکس قلعه پرتغالیها



اگر اجازه دهیم که نویسندگان ساده‌خوان نام‌های جغرافیایی اینگونه با مواریث ملی بازی کنند، نام زیر را چگونه باید خواند؟



امیداست در خواندن و ثبت و انتقال نام‌های جغرافیایی دقت بیشتری بخرج دهیم و نهضتی پیشگیرانه برای نام‌های خوانده نشده و اصلاح طلبانه برای نام‌های بدخوانده شده بوجود آید که امثال همایش کنونی مزه‌دهنده آن است.